

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: ۷۸۸۶۴ Article Cod: ۲۰۱۹S۳D۱۲SH۹M ISSN-P: ۲۰۳۸-۳۷۰۱

عواقب مخرب و منفی ازدیاد عناوین مجرمانه در نظام کیفری کنونی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۵/۲۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۸/۰۹/۱۵)

واهب لطفی

چکیده

از آنجایی که قوانین کیفری با جان، مال، ناموس، حیثیت مردم در ارتباط می‌باشد، وضع قوانین کیفری و جرم‌انگاری‌های جدید باید تابع ضوابط و معیارهایی باشد تا بیهوده قلمرو حقوق کیفری گسترش نیافته و محدوده قلمرو حقوق آزاییهای فردی مورد تعرض و تعدی واقع نگردد. قانون گذار باید در هنگام جرم‌انگاری با احتیاط و وسواس بیشتری عمل نماید که متناسب با خواست و اراده عمومی و نیازهای اجتماعی بوده و افراد جامعه نقض آن رفتارها را قبیح شمرده و مرتکب آن را مستوجب جزا بدانند. چنانچه جرم‌انگاری بدون توجه به معیارهای جرم‌انگاری، واقعیات اجتماعی و تحولات فرهنگی و اقتصادی و به صورت افراطی مورد استفاده شود، این امر می‌تواند بحران حقوق کیفری، تحدید قلمرو حقوق و آزادی‌های فردی، خطر تضعیف اقتدار حقوق کیفری و کاهش کارایی مجازات، جرم‌زا شدن حقوق کیفری و... را موجب می‌شود.

۱۵۹



بخش اول: خلع سلاح کیفری و از بین رفتن قبح اجتماعی

به طور طبیعی جرم انگاری یک عمل، با تحمیل ضمانت اجرای کیفری برای عدول کنندگان از محدوده ممنوعه کیفری ترسیم شده، برابر است. هنگام استفاده از ساز و کار جرم انگاری باید این نکته را مد نظر قرار دهد که انسان موجودی است ذاتاً آزاد و به همین خاطر به انحاء مختلف سعی می کند که خود را از محدودیت و ممنوعیت نجات دهد. انسان موجودی است با ظرفیت و تحمل محدود و بیش از ظرفیت وی نمی توان چیزی مزاد بروی تحمیل نمود اگر چه ممکن است به کمک ابزارهای خشن و سرکوبگر و ایجاد فضایی پلیسی و کنترل شده، به طور موقت چند صباحی او را وادار به کرنش و تمکین نمود اما باید توجه داشت که وی در اولین فرصت از اولین روزن و منفذ استفاده می کند تا خود را از چنگال قوانین مزاحم و دست و پا گیر برهاند.^۱ یکی از آثار ازدیاد عناوین مجرمانه آن می باشد که قبح اخلاقی جرم نزد مجرم و افراد جامعه کمرنگ و به مرور محو می شود. در جامعه ای که تخطی از قانون به عنوان یک فرهنگ در بیاید افراد آن جامعه به سهولت مرتکب جرائم شدید می شوند. یکی از دلایل تکرار جرم در میان بزهکاران زوال قبح جرم در نظر و دید ایشان است.^۲ اینکه در آموزه های شرعی بحث بزه پوشی مطرح می گردد ناشی از این امر می باشد که چنانچه تمام رفتارهای ممنوعه و گناهان افراد برای مردم بر ملا و آشکار گردد، به مرور آن اعمال قبح و زشتی خود را از دست داده و مردم هنگامی که متوجه شدند افراد در جامعه به کرات مرتکب جرم می شوند، حساسیت خود را نسبت به اعمال ممنوعه از دست می دهند. لذا شیوع و شهرت یافتن منکرات نه تنها به کمرنگ شدن زشتی جرم و کوچک شماری بزه منجر خواهد شد بلکه اجرای مکرر کیفر هم به عادی شدن مجازات و تحقیر کیفر منتهی خواهد شد. در واقع مهمترین و اصلی ترین سلاح در دستان مقامات دستگاه عدالت کیفری است. سوالی که در این جا مطرح می شود این است که آیا به کار گیری افراطی و گسترده این سلاح به واسطه



۱ - سلطان فر، غلام رضا، منبع پیشین، ص ۱۵۶.

۲ - شکرچی زاده، محسن، منبع پیشین، ص ۱۵۵.

کثرت رفتارهای جرم انگاری شده از کارایی آن نخواهد کاست؟ به عبارت دیگر ابهت و اقتدار کیفرها در نزد مردم به دلیل استفاده مکرر و بلاوجه از آن در پرتو ازدیاد عناوین مجرمانه و جرم انگاری تعداد بی شماری از رفتارهای جزئی، کم اهمیت، شکسته نخواهد شد؟ قانون گذار ما با این خیال که انسان همچون موم و برده در اختیار وی می باشد و می تواند هر گونه مجازاتی را که بخواهد بر وی تحمیل نماید، با ازدیاد عناوین مجرمانه در قلمرو امور اخلاقی، مذهبی و فردی، گسترده ی قلمرو حقوق کیفری را افزایش داده است. این مسئله زمانی تشدید می شود که مرتکبین جرم از نظر قانون گذار، رفتار جرم انگاری شده را نامشروع تلقی نکرده، تحمیل کیفر به خاطر ارتکاب این عمل را ناعادلانه تلقی کنند. در این حالت خشم و مبارزه نسبت به کار حقوق کیفری برانگیخته خواهد شد و حس انتقام جویی در مقابل مسئولان و نهادهای حقوق کیفری را به وجود می آورد.^۱ اگر تابعان حقوق جزا ملاحظه کنند که ارتکاب بسیاری از رفتارها از جانب آنها چه در عرصه خصوصی و چه در عرصه عمومی، با وجود اینکه صدمه ای به دیگران، نظم عمومی و آسایش شهر وندان نمی زند، با این حال در قلمرو قوانین کیفری جای گرفته اند. آیا این تصور در آنان شکل نخواهد گرفت که حقوق کیفری ابزاری بیش در دست حکومت برای تحمیل ارزشهای مورد قبول خود نیست؟ به کارگیری گسترده ضمانت اجراهای کیفری، حقیقت مجازات را در نزد مردم پایین می آورد و آنچه این احساس را تقویت می کند جرم انگاری رفتارهای کم اهمیت است.^۲ زمانی که همه چیز حقوق جزا می گردد یعنی زمانی که همه چیز مشمول حقوق کیفری می شود در آن صورت شهروند دچار سردرگمی می گردد و وقتی همه چیز اساسی و مهم جلوه داده می شود، در واقع شهروند همه چیز را به عنوان فرع و پیش پا افتاده تلقی می کند در این جا است که از «کاهش ارزش مجازات» سخن به میان می آید.^۳ از این رو برای جلوگیری از تضعیف ضمانت اجراهای کیفری و زوال قبح جرم، باید سعی بر آن نمود که جرائم کم اهمیت، خرد و دارای قبح،



۱ - حبیب زاده، محمد جعفر و زینالی، منبع پیشین، ص ۱۲.

۲ - حبیب زاده، محمد جعفر و کوراهی مقدم، کیانوش، ماده ۶۳۸ ق. م. ا. و رویارویی آن با اصل قانونی بودن جرم و مجازات، ماهنامه دانشور، شماره ۳۹، سال ۱۳۸۱، ص ۷۴-۷۵.

۳ - گمن، ریموند، بحران سیاست جنایی در کشورهای غربی، منبع پیشین، ص ۲۹۲.

اجتماعی، ضعیف از سیاهه جرائم حذف شوند تا حقوق جزا صرفاً محدود و منحصر به جرائم بسیار شدید و خطرناک گردد. بنابر این وقتی که صحبت از حبس می شود، باید در ذهن مردم شدیدترین جرائم و تجاوز به اساسی ترین ارزشها تداعی گردد، نه این که برای هر رفتار کم اهمیت، جزئی و مربوط به حریم خصوصی و حق تعیین مردم بر اساس سبک های مختلف زندگی، به کیفر حبس متوسل شویم.^۱ در جامعه ای که نظام کیفری آن در اثر اتخاذ یک سیاست جنایی غیر منطقی و غیر علمی خلع سلاح شود و کیفرها اثر بازدارندگی بالقوه و بالفعل خود را از دست بدهند زمینه جرم زایی بسیار فراهم خواهد شد.

بخش دوم: ازدیاد عناوین مجرمانه بدون توجه به امکانات دستگاه قضایی

از جمله اموری که در جرم انگاری باید مد نظر قرار گیرد، تعامل بین ایجاد جرم و دستگاه قضایی است با جرم انگاری یک عمل، صرف نظر از هزینه هایی که در مرحله قانون گذاری صرف می شود، هزینه های زیادتری برای فرآیند شناسایی و تعقیب مرتکبین جرم و نیز فرآیند تحقیق و دادرسی و اجرای مجازات صرف می شود. لذا توجه به امکانات دستگاه قضایی یک ضرورت است قانون گذاران کیفری معمولاً بدون توجه به ظرفیت و امکانات دستگاه عدالت کیفری به خلق جرائم جدید اقدام می نمایند و این امر می تواند سیاست جنایی تقنینی را در عمل به چالش بکشاند زیرا ایجاد جرم بدون در نظر گرفتن امکانات پلیس و ظرفیت های دستگاه قضایی از تعداد قضاات گرفته تا دانش و تجربه آنها و تعداد و امکانات زندان ها، نتیجه ای جز اجرای مقررات کیفری در بر نخواهد داشت.^۲ سئوالی که مطرح می شود این است که آیا به موازات توسعه قلمرو حقوق کیفری، با توجه به عناوین مندرج در قوانین کیفری ایران، امکانات دستگاه عدالت کیفری برای شناسایی، کشف، تعقیب، تحقیق، رسیدگی و اجرای احکام کیفری نیز افزایش یافته است؟ توسعه قلمرو حقوق کیفری از طریق ازدیاد عناوین مجرمانه بدون توجه به امکانات دستگاه عدالت کیفری بی منطقی است و پیامدهای منفی زیادی را به همراه دارد که به برخی از آنها به شرح زیر می پردازیم.

۱ - حبیب زاده، محمد جعفر و زینالی، حمزه، منبع پیشین، ص ۱۳.

۲ - همان، ص ۵.

بند اول: افزایش رقم سیاه بزهکاری

طبیعی است که وقتی جرم انگاری ها زیاد و عناوین مجرمانه در قوانین فزونی یابد، افراد بیشتری با ارتکاب جرم به عنوان مجرم وارد جریان کیفری شده و دستگاه انتظامی، پلیس و دستگاه قضایی با حجم بیشتری از پرونده ها و مجرمان روبه رو خواهند شد. حال اگر امکانات و نیروی دستگاه عدالت کیفری به موازات توسعه و گسترش قلمرو حقوق کیفری، افزایش نیابد سبب خواهد شد که بخش زیادی از جرائم ارتكابی شناسایی، کشف و مورد تعقیب واقع نشوند و ما بین «بزهکاری واقعی» و «بزهکاری قانونی» شکاف بزرگی ایجاد شود که از آن به «رقم سیاه» یاد می شود به علاوه در اثر این اقدام به دلیل کمبود امکانات، مرتکبین بسیاری از جرائم کشف شده، مورد شناسایی و تعقیب قرار نمی گیرند (افزایش رقم خاکستری) خلق یک جرم حتی اگر قانون مربوطه به صورت متروک و مرده متولد شود و به اجرا در نیاید باز افرادی را در بر می گیرد و این افراد با وجود عدم تعقیب، از نظر قانون واقعاً بزهکار بوده و با فقدان تعقیب، جزء رقم سیاه بزهکاری محسوب می شوند. این مسئله زمانی تشدید می شود که بسیاری از جرائم خلق شده فاقد بزه دیده مستقیم باشند، لذا کشف و شناسایی آنها نیازمند امکانات زیادی است. موردی که می توان در قانون مثال زد ماده ۶۳۸ ق.م.ا. است که «تظاهر به عمل حرام در معابر را جرم می داند» مطابق این ماده هر کس در معابر دروغ بگوید، سیگار بکشد، چشمش به نامحرم بیفتد و ... مجرم است. در این صورت شاید بتوان گفت که رقم سیاه بزهکاری ناشی از این جرم کل جمعیت کشور را که دارای شرایط مسئولیت کیفری هستند را شامل می شود، زیرا که بعید به است کسی در طول مدت زندگی اش مرتکب یک عمل حرام در معابر نشده باشد. این عدم تناسب، میان عناوین مجرمانه موجود و امکانات دستگاه عدالت کیفری و افزایش رقم سیاه بزهکاری آثار منفی زیادی می تواند به همراه داشته باشد. از جمله اینکه گروهی از بزهکاران از چنگال عدالت گریخته و با خاطر آسوده به روند ارتکاب جرم ادامه داده و پس از مدتی به سمت حرفه ای شدن گام بر می دارند و از سوی دیگر چون گروهی از جرائم نامشکوف باقی می مانند، موجب نارضایتی افرادی می گردد که مجازات گردیده اند و فکر می کنند که چرا باید مجازات شوند و از اینکه می بینند دیگران نیز مانند



آنها مرتکب جرائم مشابه شده اند منتهی گرفتار قانون نشده خشمگین می شوند و پیداست که در چنین حالتی نه تنها شخص از تحمل مجازات متنه نشده بلکه کینه جامعه را به دل گرفته است و این موضوع می تواند مشروعیت اخلاقی حقوق کیفری را زیر سؤال ببرد و در مقابل موجب افزایش میزان ارتکاب جرم گردد. در واقع قوانینی که بدون توجه به امکانات دستگاه عدالت کیفری به ازدیاد عناوین مجرمانه مبادرت می کنند نتیجه ای جز بی اعتباری حقوق کیفری را به دنبال ندارند و در چنین جامعه ای، آشفته گی اجتماعی و تخطی از ارزش های ضروری برای حفظ حیات اجتماعی، اجتناب ناپذیر است.

بند دوم: وقفه در عملکرد دستگاه عدالت کیفری

اگر چه هدف اصلی حقوق کیفری کاهش رقم بزهکاری و جمعیت کیفری می باشد اما افزایش عناوین مجرمانه خود موجب ورود افراد زیادی به عنوان مجرم در پرتو جنایی می شود که این می تواند موجب بازنمایی اجتماعی منفی دستگاه عدالت کیفری گردد. افزایش تعداد بزهکاران موجب تراکم کار دادگاهها و سیستم قضایی می شود که در این حالت از یک طرف هنگامیکه تمام وقت این دستگاهها صرف رسیدگی جرائم روزمره گردد، دیگر انرژی و فرصتی برای آنان باقی نخواهد ماند که بخواهند اقداماتی به منظور پیشگیری از جرم در آینده انجام دهند و این موجب خواهد شد که دستگاههای عدالت کیفری همواره یک قدم عقب تر از مجرم باشند و اقدامات آنان در کاهش بزهکاری مؤثر واقع نشود.^۱ همچنین افزایش تعداد بزهکاران کیفیت رسیدگی را تا میزان زیادی کاهش می دهد و موجبات اطلاع دادرسی را فراهم خواهد آورد و سبب کندی چرخش دستگاه عدالت کیفری می شود و به دلیل فاصله افتادن میان زمان ارتکاب جرم و زمان صدور حکم و اجرای مجازات، اثر ارعایی آن از بین می رود. از طرف دیگر به دلیل حجم بالای رفتارهایی که ارتکاب آنها نقض قوانین کیفری محسوب می شود و عدم توانایی دستگاه عدالت کیفری در رسیدگی سریع و عادلانه به آنها، نظام عدالت کیفری ممکن است ناچار به اولویت بندی شود. این اولویت بندی در کشف و تعقیب جرائم، تحت تأثیر یک سری معیارهای ثابت و متغیر قرار دارد. اصولاً از اولویت های

^۱ - سلطان فر، غلام رضا، منبع پیشین، ص ۱۶۰.

همیشه دستگاه قضایی رسیدگی به جرائم خشونت آمیز است و جرائم علیه امول از اولویت های دیگر است. اما کشف و رسیدگی به بسیاری از جرائم که در حوزه جرائم اخلاقی و فرهنگی قرار دارند در بسیاری از مواقع به صورت مقطعی و تحت تأثیر فشارهای خارج از دستگاه قضایی، صورت می گیرد. در این حالت عده ای برچسب مجرمانه می خورند و بعد از مدتی پیگیری این موارد به حالت تعلیق در می آید. در راستای این سیاست می توان به تعقیب و پیگیری «جرم استفاده از تجهیزات ماهواره»، «جرائم مربوط به نوع پوشش افراد» و ... اشاره کرد.^۱ این مسئله صلابت و قاطعیت دستگاه عدالت کیفری را با تردید مواجه می سازد و در جامعه ای که اعتماد مردم به نهاد دادگستری پایین باشد. نقش قوانین کیفری در پیشگیری از بزهکاری مورد تردید واقع می شود.

بند سوم: ازدیاد جمعیت کیفری زندان ها

از دیگر نتایج ازدیاد عناوین مجرمانه بدون توجه به امکانات دستگاه عدالت کیفری انباشته شدن زندان ها است. چه از آنجا که هر قدر حقوق کیفری وسعت یابد وارد محدوده های فردی و اجتماعی می شود، افراد بیشتری را در بر می گیرد و موجب ازدیاد مشتریان عدالت کیفری می شود، این است که آمار کیفری و به تبع آن رقم آمار زندانیان سیر صعودی می پیماید و تأثیر جرم زایی زندان نیز موضوعی است که به سادگی نمی توان از کنار آن گذشت. این مسئله در ارتباط با بسیاری از جرم انگارهایی که در حوزه ارزش ها و هنجارهای اخلاقی و فرهنگی صورت می گیرد نیز صادق است، زیرا قانون گذار برای بسیاری از آنها کیفر حبس تعیین کرده است همچنین قوانین مربوط به مواد مخدر و قانون چک از جمله نمونه های بارزی است که حتی با وجود توجه خاص قضات به متهمین این گونه جرائم باز هم زندانیان زیادی به موجب این قوانین در زندانها به سر می برد سیاست «حبس گرایانه» قانون گذار سبب خواهد شد که جمعیت کیفری افزایش یابد. زندان موجب انقطاع خانوادگی، اجتماعی و شغلی می شود و این ضربه کمی نیست. چه بسا در این چارچوب خانواده هایی متلاشی شوند، خانواده هایی از نظر مالی با مشکلات شدید روبه رو گردند. و فرزندان از نظر تربیتی و جامعه پذیری

^۱ -- حبیب زاده، محمد جعفر و زینالی، حمزه، منبع پیشین، ص ۸



با خلاءهای انحراف زا و جرم زا رو به رو شوند.^۱ فردی که در محیط تحمیلی زندان قرار می گیرد در معرض خطرات اعتیاد و تجاوز جنسی قرار دارد، با مجرمین حرفه ای در ارتباط است و خیلی از مواقع بعد از آزادی نیز ارتباط خود را با آنها حفظ می کند و اصولاً یکی از عللی که منجر به شکل گیری ایده «جایگزین های حبس» گردیده است، اثر جرم زای زندان است.^۲

بخش سوم: لطمه به آزادی های فردی و عدالت اجتماعی

حقوق کیفری موجب تعمیم عدالت و ضامن حفظ امنیت و آسایش جامعه و افراد است، ولی شیوع مجازات به دلیل رفتارهای متعدد ضد اجتماعی و حتی مجازات های متعدد برای رفتار مشابه افراد جامعه سبب از بین رفتن قبح اخلاقی آن گردید و رعایت یک رفتار ارزشی جامعه پیش از آن که به صورت یک وجدان عمومی و اصل اخلاقی در آید، به عنوان یک جبر اجتماعی تلقی می گردد و خود مخل امنیت و آسایش عمومی است.^۳ این اخلال در امنیت و احساس بروز ناامنی در اجتماع که حاصل ازدیادعناوین مجرمانه است به اشکال ذیل می تواند بروز کند.

بند اول: خود کامگی مجریان عدالت کیفری و امکان سوء استفاده در اجرای

قانون

وقتی که عنوان های مجرمانه در قانون ازدیاد یابد و حتی برای اعمال چندین مجازات و به عناوین مختلف در قانون وجود داشته باشد، این امر دست مجریان عدالت به ویژه قضات محاکم را در ایراد اتهامات مختلف به اشخاص بازمی گذارد و دادرسان هر آنچه که بخواهند می توانند انجام دهند به ویژه خطر جایی است که دادرسان فاقد تربیت قضایی کافی باشند و حس مجازات گرایی بر اذهان آنان حاکم باشد، که خود فاجعه آفرین تواند بود. نتیجه این امر



^۱ - نجفی ابرند آبادی، علی حسین، «مصاحبه با فصلنامه ترجمان حبه» شماره ۷ و ۸، ۱۳۸۱، ص ۳۵ و ۳۶.

^۲ - آشوری، محمد، جایگزین های زندان یا مجازات های بنیابین، نشر گرایش، تهران، ۱۳۸۲، ص ۴۲.

^۳ - حسینی نیک، سیدحسین، بحران در سیاست جنایی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران، ۱۳۷۳، ص ۴۷.

استبداد قضایی است.^۱ همچنین برخی از جرم انگاری‌ها می‌تواند موجب اجرای گزینشی قانون شود و باعث سوءاستفاده در برخورد با برخی از موقعیت‌ها و اعمالی گردد. برای نمونه جرم ولگردی در این زمینه قابل ذکر است. قانون گذار با جرم انگاری این عمل بدون ذکر تعریفی از آن فقط به ذکر عبارت «ولگردی نماید» بسنده کرده است. آیا جرم انگاری رفتار فوق امکان سوءاستفاده را ایجاد نمی‌نماید؟ آیا پلیس از اختیارات زیادی برای زدن بر چسب مجرمانه ولگرد و گزینشی عمل کردن در این زمینه برخوردار نمی‌شود؟^۲ در حقوق انگلستان این جرم دقیقاً به خاطر ایجاد یک قلمرو خطرناک برای اجرای تبعیض آمیز قانون، از سیاهه این کشور حذف گردیده است.^۳ و جرایم «بدون بزه دیده» بیشماری را در حقوق کیفری ایران می‌توان مثال زد که منجر به ایجاد قلمروهای تبعیض آمیز می‌گردد و زمینه سوءاستفاده را برای کارگزاران دستگاه عدالت کیفری به ویژه پلیس فراهم می‌کند. جرم «رابطه نامشروع و عمل منافی عفت» و جرائم مربوط به نوع پوشش و آرایش افراد، همگی از مصادیق این نوع جرایم هستند. سئوالی که مطرح می‌شود این است که آیا ایجاد چنین جرائمی و زمینه سوءاستفاده پلیس از طریق توسل به اخاذی، اخذ رشوه و ... از شهروندان را ایجاد نمی‌کند؟

بند دوم: نوسان مفهوم عدالت

امروزه با وجود عناوین بسیار زیاد مجرمانه باید پذیریم که عدالت در شعبه ای از دادگاه با عدالت در شعبه دیگر همان دادگاه برابر نیست، چرا که ازدیاد عناوین مجرمانه در عمل ممکن است دادرسی یک شعبه را به اتخاذ تصمیمی شدیدتر و دادرسی شعبه دیگر را به اتخاذ تصمیمی سهل‌تر وادارد و جالب این است که هر دو هم عدالت است و هم قانونی، فقط متهم شعبه سخت‌گیر قربانی ازدیاد عناوین مجرمانه و بی‌نظمی در جرم انگاری‌ها قانون گذار گردیده است.^۴ بنابراین مفهوم عدالت در نوسان و تغییر خواهد بود و به طور یکسان مشاهده نخواهد

۱ - آخوندی، محمود، آئین دادرسی کیفری، جلد چهارم، انتشارات اشراق قم، ۱۳۷۹، ص ۱۹۰.

۲ - حبیب زاده، محمد جعفر و زینالی، حمزه، منبع پیشین، ص ۸.

۳ - کلارکسون، سی. ام. وی، منبع پیشین، ص ۲۳۶ و ۲۳۷.

۴ - گودرزی، محمد رضا، منبع پیشین، ص ۸۱.



شد و این موضوع می تواند موجب خشم و نارضایتی شهر وندان گردد و به حقوق فردی آنها لطمه وارد نماید.

بند سوم: امکان سوء استفاده قوه مجریه

اگر قدرت قانون گذاری به معنای عام آن منحصر به قوه قضاییه بود، شاید طرح موضوع سوء استفاده برای دستگاههای اداری و اجرایی ضرورتی نداشت، لیکن بسیاری از قوانین و مقررات به ویژه در زمینه حقوق جزای فنی، وضع مقررات به صورت تصویب آیین نامه و بخشنامه از سوی نهادهای قوه مجریه است که در واقع، خود هم واضع قانون و هم مجری آن هستند در چنین شرایطی اگر به پیچیدگی و تخصصی بودن این قوانین و مقرراتی، ازدیاد بیش از حد عناوین نیز افزوده گردد، گذشته از آنکه عموم مردم را در مقابل حقوق خویش منفعل می سازد راه را برای سوء استفاده، اعمال نفوذ و حتی جرائمی چون اخاذی تسهیل خواهد کرد.^۱ ازدیاد عناوین مجرمانه، شهر وندان را غالباً بازیچه دست ادارات و قربانی سوء استفاده آنها قرار می دهد.

بند چهارم: جرم زایی بالقوه حقوق کیفری

استفاده بی حد و مرز از حقوق کیفری در جامعه موجب ایجاد خشونت می شود و علاوه بر اینکه روحیه خشونت ورزی را در جامعه ترویج می دهد، به امنیت و آسایش شهر وندان نیز لطمه وارد می کند. در واقع مشکل جرم انگاریهای جدید، بی تناسب و بی رویه در این است که خود این جرم انگاریها موجب بروز کجرویهای جدید می شوند و قانون گذار به منظور مقابله با این کجرویها ناگزیر می گردد به آن وصف مجرمانه اطلاق نماید تا بتواند آنها را سرکوب نماید و این امر ادامه می یابد و روز به روز عناوین مجرمانه زیاد می شود و بدین ترتیب « جرم، تولید جرم می کند.»^۲ بر این اساس، حقوق کیفری که به دنبال پیشگیری از

۱ - همان منبع ص ۸۴.

۲ - کلارکسون، سی. ام. وی، منبع پیشین، ص ۲۳۵.

بزهکاری است، می تواند خود موجب ایجاد مجرم و جرم شود. این امر به دو طریق زیر صورت می گیرد:

بخش چهارم: ایجاد شرایط مجرمانه در پرتو فرآیند برچسب زنی

وقتی یک فرد از سوی دیگران در قالب خاصی توصیف می شود، در نتیجه فشار اجتماعی به تغییر ادراک از خویشتن و رفتار خود دست خواهد زد تا با این تعریف هماهنگ گردد. جرم شناسی تعامل گرا به مطالعه تعاملها یا کنش های متقابل موجود میان فرد و جامعه می پردازد و معتقد است که نقش جامعه در رفتار افراد دارای اثرات تعیین کننده ای است. در عمل، فرآیندهای گزینش و غربالی پلیسی و قضایی در اجرای واکنش اجتماعی علیه مجرمین به چشم می خورد. این فرآیندها موجب پدیده برچسب زنی میگردد.^۱ جرم انگاری منجر به تماس بیشتر افراد جامعه با نظام عدالت کیفری می شود و این امر آثار سوء برخورد با دستگاه قضایی یعنی پدیده برچسب زنی و کم کردن فاصله ارتکاب جرم اولیه و جرم ثانویه منجر می گردد به عبارت دیگر، میان جرم انگاری و بروز پدیده برچسب زنی رابطه مستقیم وجود دارد. انحراف اولیه، مربوط به مرتکبانی است که به ارتکاب اعمال منحرفانه وارد می شوند، ولی در وضعیت متعارفی قرار دارند در این مرحله خود پنداری وجود ندارد و انحراف به عنوان بخشی از نقش مرتکب که از نظر اجتماعی پذیرفته شده است، تلقی نمی گردد. در حالی که انحراف ثانویه اصطلاحی است که برای اعمال کسانی که عادت به انحراف کرده اند (تکرار جرم) و انحراف بر خود پنداره آنان تأثیر گذارده و نقش منحرفانه به طور آگاهانه به مرحله عمل در می آید، اطلاق می شود. انحراف ثانویه هنگامی ایجاد می شود که نقش منحرفانه به واسطه افزایش تماس با منحرفین آلوده تر و غالباً به واسطه آثار برچسب زنی تقویت می شود.^۲ بدین ترتیب به محض اینکه به شخصی برچسب مجرمانه زده می شود، سعی در انطباق و هماهنگ کردن اعمال خود با آن برچسب می کند و با علاقه بیشتری برای ارتکاب جرائم

۱۶۹



۱ - نجفی ابرند آبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم شناسی، دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه حقوق دانشگاه شهید بهشتی نیم سال دوم سال تحصیلی ۷۴-۱۳۷۳ ص ۱۹

۲ - نجفی ابرند آبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، منبع پیشین، ص ۲۷۱ و ۲۷۲

دیگر و سوسه می شود.^۱ از آنجایی که شخص مرتکب جرم مورد تحقیر و سرزنش های بعضاً بی مورد مأموران کشف جرم و تعقیب قرار گرفته ، برخوردهای ناصواب این افراد این ذهنیت را برای وی القاء می کند که فردی زائد ، غیر قابل احترام و فاقد جایگاه انسانی است . از طرف دیگر انگ مجرمانه‌ای که متعاقب قرار گرفتن فرد در جریان دادرسی و صدور حکم محکومیت بر پیشانی وی نقش می بندد ، برای همیشه گریبانگیر وی شده و پس از اتمام دوران محکومیت و خروج از زندان ، تازه دوران محکومیت های اجتماعی و طرد شدن و مورد سرزنش واقع شدن وی شروع می شود که بعضاً تحمل آنها از مجازات سخت تر می نماید و اجتماع هیچ جایگاهی برای آنان به عنوان عضوی از جامعه قائل نشده و از اعطای کار و مسئولیت به آنان اکراه می روزند و شخص که هیچ طریقی برای امرار معاش خود و خانواده اش نمی یابد . لاجرم مجدداً در سیکل ارتکاب جرم قرار می گیرند و در نهایت فرد جایگاه و هویت اجتماعی یک منحرف را می پذیرد و در جهت انطباق خود با نقش ها و عملکرد های مربوط به آن کوشش می کند.^۲ با توسعه افراطی قلمرو حقوق کیفری از طریق جرم انگاری رفتارهای مختلف ، به افراد مختلفی در جامعه انگ و برجسب مجرم زده خواهد شد و حقوق کیفری خود به تولید مجرم دست می زند. در حقوق کیفری ایران فرآیند برجسب زنی از این جهت زیاد است که عناوین مجرمانه موسع و نامعین و کلی زیادی وجود دارد. رفتارهای شهروندان در ایران به راحتی می تواند با برجسب مجرمانه روبرو گردد .

بند اول: ایجاد شرایط مجرمانه در پرتو جرم انگاری برخی رفتارها

یکی از مهمترین مواردی که قبل از جرم انگاری یک رفتار باید مورد ارزیابی قرار بگیرد ، شرایط مجرمانه‌ای است که به واسطه جرم دانستن برخی رفتارها می تواند ایجاد شود . در مورد برخی رفتارهای جرم انگاری شده در سیهاه قوانین کیفری می توان تا حدودی شرایط مجرمانه‌ای را تصور نمود که به واسطه آنها ممکن است به وجود بیاید. در این زمینه می توان به جرم انگاری جرائمی نظیر ، استعمال مواد مخدر و خرید و فروش آن، خرید و فروش

۱ - حبیب زاده ، محمد جعفر و زینالی ، حمزه ، منبع پیشین ، ص ۱۴ .

۲ - پیکاء ژرژ ، جرم شناسی ، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی ، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی ، ۱۳۷۰ ص ۲۳۹ .

مشروبات الکلی و جرائم پیرامونی آن ، سقط جنین ، خرید و فروش و نگاهداری تصاویر ، فیلم قبیحه ، خرید و فروش تجهیزات استفاده از ماهواره اشاره کرد. در جرم انگاری مصرف و اعتیاد به مواد مخدر به اصل صدمه به دیگران استناد می شود و استدلال می شود که با جرم دانستن آن قانون گذار تأمین نظم و آسایش عمومی و جلوگیری از صدمه و تجاوز فرد معتاد به آزادی دیگران را مد نظر قرار دارد. اما مسئله که به آن توجه نمی شود این است که تا چه حد جرائم ارتكابی معتادین مواد مخدر ناشی از سیاست کیفری و جرم دانستن آن توسط قانون گذار است . در جامعه همیشه یک تقاضای ثابت برای مواد مخدر وجود دارد و همیشه نیز افرادی وجود دارند که برای پاسخ به این تقاضا مشغول هستند، حال با جرم انگاری خرید و فروش مواد مخدر و تعیین مجازاتهای سنگین برای آن ، قیمت این مواد افزایش خواهد یافت . این افزایش قیمت منجر به کاهش تقاضا نخواهد شد چرا که فرد معتاد به هر طریقی که شده بایستی مواد را به بدن خود برساند و از این رو معتاد چاره ای جز ارتكاب برخی از جرائم نظیر سرقت و جیب بری را ندارد از سال ۱۳۸۵ تا کنون در جهت مبارزه با مواد مخدر ۱۶ قانون و سه آیین نامه تصویب کرده اند که همواره بنا بر تشدید مجازات بوده است اما بر خلاف انتظار مقنن ، نتیجه ای در این خصوص عاید نگردیده است.^۱ از طرف دیگر ، این مسئله مانع افزایش تقاضا برای این گونه جرائم نیست ، بلکه در بسیار از موارد به دلیل شرایط خاص سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی تقاضا افزایش نیز می یابد. طبیعی است که در پاسخ به این تقاضای موجود و افزایش آن ، بازارهای مخفی و سیاه شکل خواهد گرفت .^۲ که تولیدات این بازارها نیز قابل کنترل نبوده و مشمول مالیات نمی گردد و شرایط اقتصادی مطلوبی را برای ارتكاب جرائم سازمان یافته به وجود می آورد .^۳ مثال دیگر در این زمینه سقط جنین است وقتی قانون گذار آن را به عنوان یک عمل مجرمانه تلقی کرده و برای آن مجازات پیش بینی می کند ، زنانی که نیاز به سقط جنین دارند از خدمات تخصصی و بهداشتی افراد ذیصلاح



۱ - جیب زاده ، محمد جعفر و نجفی ابرند آبادی ، علی حسین و کلانتری ، کیومرث ، منبع پیشین ص ۷۲ .

۲ - جیب زاده ، محمد جعفر و زینالی ، حمزه ، منبع پیشین ، ص ۱۷ .

۳ - کلارکسون سی . ام . دی ، منبع پیشین ص ۲۳۱ - ۲۳۶ .

محروم می ماند و غالباً سقط جنین را در محیطی غیر بهداشتی و توسط افراد غیر متخصص که مجرمانه بودن عمل آن را ایجاب می کند انجام می دهند که باعث ایجاد خطرات شدید جسمانی، حتی مرگ می شود. سلب وصف مجرمانه از چنین اعمالی موجب می شود که آنها با سهولت بیشتری تحت نظم و قاعده در آیند بنابر این هر چقدر سخت گیری از طریق بالا بردن مجازاتها افزایش یابد، بر میزان جرائم اکتسابی افزوده خواهد شد.

بخش پنجم: تضعیف قدرت اخلاقی حقوق کیفری

قدرت اخلاقی حقوق کیفری در پرتو دو اقدام تضعیف خواهد شد که در زیر به توضیح در آنها خواهیم پرداخت.

بند اول: ازدیاد عناوین مجرمانه در رابطه با موضوعات کم اهمیت

حقوق کیفری باید به محکوم کردن جرائم بسیار شدید که قبح ذاتی دارند و نسبت به محکومیت آنها یک توافق و اجماع گسترده اجتماعی وجود دارد محدود شود. در حالی که جوامع فرا صنعتی در حد بیشتری در حال کاهش دادن شدت اخلاقی حقوق جزا از طریق به کار گیری هر چه بیشتر جرائم دسته دوم (ثانوی در مقابل جرائم طبیعی نظیر قتل و سرقت) و اغلب فنی صرف هستند.^۱ در حقوق کیفری ایران قلمرو جرم انگاری به برخی از عرصه ها و موضوعات کم اهمیت نظیر جرم خرید و فروش کوبین توسعه پیدا کرده است. هم چنین بسیاری از جرم انگاری هایی که در قلمرو حقوق و آزادی های فردی و مسائل خصوصی و آزادی های فرهنگی صورت گرفته، فاقد توجیه منطقی و علمی است به کارگیری گسترده حقوق کیفری در مورد این رفتارها که گاهی بسیار کم اهمیت بوده و از نظر عموم مردم نیز مرتکب آنها مجرم محسوب نمی شود و شناسایی و کشف آنها مستلزم دخالت در حریم خصوصی افراد است می تواند منجر به تضعیف قدرت اخلاقی حقوق کیفری نسبت به جرائم

۱ - شرمین، لاورنس، « جرم شناسی و جرم انگاری، چالش و علم ضمانت اجراهای کیفری»، ترجمه روح الدین کرد علی‌وند، مجله قضایی و حقوقی دادگستری شماره ۲۳ - ۱۳۷۹ - ص ۶۵

به طور کلی گردد.^۱ پیش بینی جرائمی نظیر ، استفاده از لباس ها و نشانه هایی که علامت مشخصه گروههای ضد اسلام و انقلاب هستند ، پوشیدن لباس و ارایش خلاف شرع ، بر اساس قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس هایی که استفاده از آنها در ملاً عام خلاف شرع است (مصوب ۱۳۶۵/۲/۲۸) ، استفاده از تجهیزات دریافت از ماهواره ، مطابق قانون به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره (مصوب ۱۳۷۳/۱۱/۲۳) . مواد ۱۲۳ ، ۱۲۴ ، ۶۳۷ ، ۶۳۸ ق . م . ا در این زمینه قابل ذکر هستند .

بند دوم : ازدیاد عناوین مجرمانه بدون توجه به انتظارات عمومی

توجه به انتظارات عمومی در جرم انگاری ، در جوامع مرد سالار اصل است . در یک جامعه مردم سالار مردم از طریق ساز و کارهای دموکراتیک و انتخابی ، مجالس قانون گذاری را شکل می دهند. نمایندگان واقعی و منتخب مردم نیز به نیازهای اجتماعی و انتظارات عمومی در جرم انگاری ها توجه می کنند. حقوق تا حد امکان باید مطابق ایده ها و نگرش ها و عقیده های اکثریت شهر وندان شکل بگیرد. قانون بدون داشتن ریشه ای عمیق در روح مردم و آداب و رسوم فاقد اجرای عملی خواهد بود . امیل دورکیم جامعه شناس فرانسوی ، جرم را چنین تعریف کرده است : عملی که وجدان عمومی را جریحه دار کند. هیچ عملی به خودی خود جرم نیست ، زیان ها و صدمه های یک عمل هر قدر زیاد و مهم باشد، مرتکب آن هنگامی مجرم تلقی می گردد که افکار عمومی و اعتقاد گروه اجتماعی ، وی را مجرم بشناسد . به عبارت دیگر ، آن چه عمل را جرم می سازد جنبه عینی و بیرونی عمل نیست ، بلکه تعیین کننده جرم ، قضاوتی است که جامعه در مورد آن عمل دارد .^۲ بنابر این قانون گذار کیفری که بخواهد رفتار معینی را جرم انگاشته و وارد قلمرو حقوق کیفری نماید . باید به این موضوع توجه کند که آیا مردم و افکار عمومی رفتار مورد نظر را به اندازه حکومت ناپسند می دانند ؟ آیا جرم انگاری یک عمل از پشتیبانی اکثریت شهر وندان برخوردار است ؟ جرم مفهومی نسبی است و در ظرف زمان و مکان فرق می کند . جوامع مختلف در زمان ها و مکان های مختلف

۱ - حبیب زاده ، محمد جعفر و زینالی ، حمزه ، منبع پیشین ص ۱۰

۲ - حبیب زاده ، محمد جعفر و زینالی ، حمزه ، منبع پیشین ص ۲۰



یک سلسله رفتارهای خاص را جر می دانسته و می دانند که در زمان و مکانی دیگر چنین نبوده است. در واقع جرم دانستن یک عمل تابعی از انتظارات عمومی آن جامعه است و در نتیجه تغییر آنها، مجموعه رفتارهایی که خارج و یا وارد قوانین کیفری می شوند، تغییر می کنند به عنوان نمونه تعدد زوجات که در کشور ما مجاز است در بسیاری از کشورهای غربی جرم محسوب می شود. بنا بر این برای آن که قوانین موضوعه در کشوری دوام داشته باشد و مورد احترام و عمل قرار گیرد باید با انتظارات عمومی مردم یعنی سنت ها، شرایط فرهنگی، آداب و رسوم و... سازگار باشد. به عنوان مثال در صورتی که جامعه پوشیدن بعضی از پوشش های خاص را تحمل نماید، مطمئناً اگر قانون گذار با جرم انگاری های موسع پوشیدن برخی لباس ها را خارج از الگوهای ترسیم شده حکومتی و جرم بداند، این جرم انگاری به دلیل فاصله گیری از انتظارات عمومی مورد تأیید جامعه قرار نگرفته و از آن تخطی خواهد شد. این عدم پیروی فرد خاطی را به انسانی مجرم از نظر قانون گذار تبدیل خواهد نمود در جرم انگاری تکدی گری فارغ از عوامل اقتصادی و اجتماعی زمینه ساز روی آوری افرادی به این عمل، به نظر می رسد در جامعه ایران که با نوعی احساس ترحم و دیدگاههای مذهبی مربوط به کمک به فقیران برخورد می شود جرم در نظر گرفتن این عمل اثری نخواهد داشت. قانون گذار کیفری باید بداند، زمانی که یک عنوان مجرمانه به دفعات از سوی اکثریت شهر وندان نقض می شود، نشان دهنده این است این عنوان مجرمانه با مقتضیات روز مره و عملی زندگی مردم هماهنگ نیست و در نتیجه مردم به سادگی از آن تخطی می کنند. در این حالت تخطی از قانون و قانون گریزی به معنی ناتوان بودن قانون در پاسخ گویی به ضرورت های اساسی زندگی مردم است این امر نشان گر این است که جامعه آن عمل را یا از اول ناپسند نمی دانسته یا دیگر آن را ناپسند نمی داند.^۱ به خصوص اگر رفتار جرم دانسته شده مربوط به حریم خصوصی فرد باشد مانند جرم استفاده از تجهیزات ماهواره ای بنابر این اصرار قانون گذار در ارتقای این عمل در سیاهه قوانین کیفری نتیجه ای جز ایجاد تنش بین کارگزاران دستگاه



۱ - صالحی، صادق، نگرشی بر مسائل و مشکلات قانون در جامعه، مجله اطلاعات سیاسی، اقتصادی شماره ۹ و ۱۰، ۱۳۸۰، ص ۴۰.

عدالت کیفری و مردم و بی اعتباری قانون نخواهد داشت زیرا مردم به قانون به عنوان موجودی مزاحم و دست و پا گیر نگاه می کند .

نتیجه گیری

اتخاذ یک سیاست جنایی مفید و مؤثر در راستای تحقق نظم و امنیت اجتماعی برای رسیدن به رشد و توسعه همه جانبه مقتضی آن است که افراد جامعه به حدود آزادی ها و ممنوعیتهای قانونی و میزان و نحوه اعمال مجازاتها و صلاحیت حاکم و نیروهای انتظامی واقف باشند. رعایت رژیم قانونی بودن حقوق کیفری علاوه بر تأمین هدف مذکور مانع دسترسی افراد ناسازگار، به اهداف ضدا اجتماعی خود می گردد، از نظر روانی مانع گرایش آنها به سوی تخلف از هنجارهای اجتماعی می شود و از نظر اجتماعی به اجرای عدالت قضایی کمک شایانی می کند و آن را از تبعیت از امیال و سلیقه های شخصی خارج می کند، رژیم مذکور به افراد جامعه امکان می دهد حقوق و آزادی های فردی خود را در مقابل اختیارات مطلقه حکومت پاسداری کنند. قانونی بودن رژیم جرائم و مجازاتهای سدی برسر راه تجاوز و تعدی قوای مجریه و قضائیه به حقوق افراد است. وظیفه ی قوه ی قضائیه این است که با تفسیر قضایی راه را برای عدول از قانون اساسی و اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها ببندد. بنابراین با توجه به اهمیت اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها به نظر می رسد قضات در مواردی که قانوناً عملی جرم شناخته نشده است نباید اقدام به جعل جرم و مجازات نمایند و به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض یا ابهام قوانین مدون متهم را تحمل به مجازات کنند و ضروری است که اصل ۱۶۷ ق.ا. و موادی نظیر ماده ۲۱۴ مذکور را، با رعایت قواعد مربوط به تفسیر قوانین در مسائل کیفری به نحوی تفسیر نمایند که شامل سایر موارد سکوت یا ابهام یا اجمال مواد کیفری به، غیر از جعل عنوان مجرمانه و تعیین مجازات گردد، مگر این که تفسیر به نفع متهم باشد. وظیفه قوه قانون گذاری در قبال اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها نه تنها به تصویب قانون کیفری و جلوگیری از مراجعه قضات به منابع غیرمدون، برنمی گردد بلکه قانون گذار مضاف برآن، باید کوشش نماید. قوانین کیفری صریح، روشن و شفاف باشد تا بهانه ای برای قضات جهت ضایع نمودن حقوق متهم تحت لوای تفسیر نباشد. زیرا ابهام و اجمال و فقدان صراحت کافی،



متون جزایی را در معرض تفاسیر متهافت و احياناً موسع قرار داده و محتمل است محاکم در مرحله اجراء متن جزایی را به مصادیق و موارد مغاير با مقصود مطلوب مقنن تسری دهند که این امر مسلماً با اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها و نتیجه قهری آن یعنی تفسیر مضیق قوانین جزایی مغايرت دارد و راه را برای خودکامگی قضات باز می گذارد. یافته های جرم شناختی و بزه دیده شناختی نشان داده اند که برخی افراد به دلیل خصوصیات خاص زیست شناختی، روان شناختی و اجتماعی، بیش تر از سایرین در معرض بزه دیدگی قرار دارند. زنان به دلیل ضعف قوای جسمانی و وضعیت اجتماعی خاص که در آنان به سر می برند در این حیطه قرار می گیرند. عدول مثبت از اصل تساوی افراد در برابر قانون کیفری با مقرر کردن حمایت کیفری افتراقی و بیش تر از زنان از طریق سازوکار جرم انگاری های ویژه ی برخی رفتارها و تشدید کیفر بزهکاران که بزه دیده آنها زن می باشد یکی از راهکارهایی است که قانون گذاران کیفری برای بالابردن هزینه و بهای این جرایم و کاهش احتمال بزه دیدگی آن ها اتخاذ نموده اند. قانون گذار کیفری ایران در قانون مجازات اسلامی نه تنها از یک سیاست کیفری افتراقی برای حمایت از زنان پیروی نکرده است بلکه با عدول منفی از اصل تساوی افراد، از آن در برابر تعرضات مجرمانه علیه تمامیت جسمانیشان، حمایت کیفری کم تری نموده است. این سیاست ممکن است به عنوان عاملی در جهت بالابردن ضریب و احتمال بزه دیدگی آنها مطرح شود. بنابراین برای پیش گیری از «بزه دیده زایی» قانون مجازات اسلامی و در نتیجه جرم زایی غیرمستقیم آن، نه تنها حذف تبعیضات فوق ضروری است، بلکه قانون گذار کیفری ایران باید با اتخاذ یک سیاست کیفری افتراقی در حمایت از زنان، هزینه کیفری ارتکاب جرم بر روی این قشر آسیب پذیر را افزایش دهد. در خصوص جرم زایی ناشی از افزایش عناوین مجرمانه نیز باید بیان کرد که: قوانین موضوعه هر کشور باید با اخلاق و واقعیات حاکم بر جامعه و نیز با انتظارات عمومی آن، مطابقت و موافقت داشته باشد، اگر قانونی دارای چنین خصایصی نباشد مردم سعی می کنند از زیر بار اجرای قوانین شانه خالی کنند و تهدید به اجرای مجازات نیز نمی تواند، مردم را به اجرای قانون پایبند کند.

منابع و مأخذ

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

اردبیلی، م.ع. ۱۳۸۴. حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ هفتم، تهران: نشر میزان
استفانی، گ. ۱۳۸۳. حقوق جزای عمومی، ترجمه دادبان، چاپ دوم: تهران. انتشارات
دانشگاه علامه طباطبایی

اصغر زاده بناب، م. ۱۳۸۹. محشای آرای وحدت رویه جزایی چاپ سوم، تهران: نشر مجد،
اوشیدری، ج. ۱۳۷۱. دانشنامه مزدايسنا، تهران: نشر مرکز

باهری، م. ۱۳۸۴. حقوق جزای عمومی، چاپ دوم، تهران: نشر مجد

پیرنیا، م. ۱۳۶۲. تاریخ ایران باستان، جلد اول، تهران: انتشارات دنیای کتاب

جوان، م. ۱۳۴۲. مجموعه قوانین زرتشت، چاپ تهران: نشر عدالت،

حدادعادل، غ. ۱۳۸۰. دانشنامه جهان اسلام، جلد ششم، تهران: چاپ دایره المعارف بزرگ
اسلامی،

خالقی، ع. ۱۳۸۸. آیین دادرسی کیفری، چاپ سوم، تهران: انتشارات شهر دانش،

خزائلی، م. ۱۳۶۰. احکام قرآن، تهران: انتشارات جاویدان،

دانش، تاجزمان، ۱۳۷۶. مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟، چاپ هفتم، تهران: انتشارات
کیهان

زرین کوب، ع.ح. ۱۳۶۴. تاریخ مردم ایران، جلد اول، چاپ اول تهران: انتشارات امیرکبیر

شامیاتی، ه. ۱۳۷۵. حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ ششم، تهران: انتشارات ویستار

صانعی، پ. ۱۳۷۶. حقوق جزای عمومی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات گنج دانش

کی نیا، م.، ۱۳۷۳. جرم شناسی چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران،

گلدوزیان، ای. ۱۳۷۸. بایسته‌های حقوق جزای عمومی، چاپ سوم، تهران: نشر میزان



